

واکاوی تقلب

رضا شاه‌محمدی گلرخ

سید میثم موسوی

تصویرگر

روان‌شناس تربیتی

عضو شورای پژوهش استان قزوین

نقش عوامل فردی و عوامل بافتی در پدیده تقلب قابل بررسی است

عوامل فردی ویژگی‌هایی هستند که به وسیله نسل یا موقعیتی که فرد در آن متولد می‌شود، تعیین می‌شوند. متغیرهای فردی که بیشترین ارتباط را با بی‌صدافتی تحصیلی دارند، عبارت‌اند از: موفقیت تحصیلی، سن، درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، رشته تحصیلی، رویکرد رقابتی، جنسیت، معدل، اخلاق کاری، شخصیت نوع A، رویکرد رقابتی به پیشرفت تحصیلی و عزت‌نفس.

عوامل بافتی به فشارهایی بیرونی گفته می‌شود که بر فرد تحمیل و موجب ترغیب یا منع تقلب می‌شوند. تحقیقات نشان داده‌اند، متغیرهای بافتی از قبیل محیط کلاس درس، ویژگی‌ها و روش‌های معلم و نیز روش‌های پیشگیری، تأثیرات گروه هم‌سال، معلمان، سیاست‌های آموزشی، مشکلات خانوادگی، فشار والدین، بی‌توجهی و مسامحه معلمان و مراقبان، تقلب کردن دوستان و هم‌کلاسی‌ها، سخت بودن تکالیف و درس‌ها، تأثیر جو کلاس و تقلب کردن افراد خانواده و فامیل، با تقلب تحصیلی ارتباط دارند.

بررسی‌های دیگر، عوامل مؤثر در گرایش به تقلب را چنین برشمرده‌اند: ضعف درسی دانش‌آموزان نسبت به محتوا؛ بالا بردن سطح نمره امتحان؛ تأثیر جو کلاس و هم‌کلاسی‌ها؛ احساس نداشتن امنیت از طرف والدین نسبت به نمره‌های دریافتی (برخی از والدین به جای دانش‌فرزندان صرفاً به نمرات وی تکیه می‌کنند و چنانچه نمره ممتاز یا قابل قبولی نگیرد، مرتب او را با دیگر دانش‌آموزان مقایسه و سرزنش می‌کنند)؛ بی‌اعتمادی به خود و دانسته‌هایشان؛ نیاز به جلب توجه و خودنمایی یا قدرت‌نمایی نادرست؛ متقلب بودن اعضای خانواده که زمینه تقلب را در کودک فراهم می‌کند و ناآگاهی از دلایل برگزاری امتحان و انجام تکالیف.

کج‌روی و ناهنجاری در هر زمینه‌ای می‌تواند رخ دهد. حوزه تعلیم و تربیت نیز از این حیث مستثنا نیست. یکی از وقایع چالشی که جزو دغدغه‌های مهم تعلیم و تربیت است و می‌توان آن را به‌عنوان ناهنجاری رفتاری تلقی کرد، «تقلب» است. «تقلب» می‌تواند جعل دانش یا باهوش نشان دادن خود از روی نیرنگ تعریف شود (اندرمن و مرداک، ۲۰۱۱). نظریه‌پردازان و پژوهشگران عوامل متعددی را برای روی آوردن دانش‌آموزان به تقلب برشمرده‌اند. در یک دسته‌بندی، تقلب به دو دسته تقلب در آزمون‌ها و تقلب در تکالیف درسی تقسیم شده است.

تقلب در آزمون شامل استفاده از یادداشت‌های غیرمجاز، نوشتن جواب سؤال‌های آزمون از روی کسی دیگر، کمک گرفتن غیرمجاز از افراد یا ابزارهای دیگر است. **تقلب در تکالیف درسی** هم شامل سرقت ادبی و محتوایی، انجام تکالیف توسط فردی دیگر، نوشتن تکالیف از روی تکالیف اشخاص دیگر، و انجام تکالیف فردی به‌صورت گروهی است. مطابق نظریه اهداف پیشرفت (آمس، ۱۹۹۲)، به دلایل و اهداف دانش‌آموزان برای پرداختن به رفتارهای تحصیلی، «جهت‌گیری هدف شخصی» گفته می‌شود. به‌طور کلی سه نوع جهت‌گیری هدف وجود دارد که عبارت‌اند از: «جهت‌گیری عملکردگرا، جهت‌گیری تسلط‌مدار و جهت‌گیری عملکردگریز».

دانش‌آموزان دارای جهت‌گیری عملکردگرا به دنبال اثبات شایستگی و فضایل خود هستند. در مقابل، دانش‌آموزان دارای جهت‌گیری تسلط‌مدار روی یادگیری درک و فهم تکالیف سطح بالا و بهبود شخصیت تمرکز دارند و دانش‌آموزان عملکردگریز به دنبال اجتناب از نبود شایستگی هستند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، بین جهت‌گیری هدف دانش‌آموزان و انجام تقلب رابطه معناداری وجود دارد.



اگرچه با گذر زمان آموزش و پرورش و معلمان برای کاهش این پدیده راهکارهایی داشته‌اند، اما واقعیت این است که سازوکارهای موجود پاسخگویی کافی ندارند. بنابراین می‌توان به سوی دیگر ماجرا توجه ویژه‌تری داشت: دانش‌آموزان و والدین.

برای اینکه دانش‌آموزان به تقلب مجبور نشوند باید فشار کمتری برای رسیدن به موفقیت تحصیلی به آن‌ها وارد کرد. والدین انتظار دارند فرزندانشان بهترین نمره‌ها را کسب کنند. طبیعی است بچه‌ها هم می‌خواهند به سطح انتظارات والدینشان برسند و رضایت آن‌ها را جلب کنند. مدرسه نیز به بچه‌ها فشار می‌آورد نمرهٔ بهتری کسب کنند و دانش‌آموزان بر همین اساس درجه‌بندی می‌شوند. وقتی دانش‌آموزان فکر کنند نمی‌توانند از پس امتحان برآیند، تحت فشار والدین، مدرسه و هم‌سالان به تقلب روی می‌آورند.

گرایش به ناهنجاری رفتاری تحصیلی تقلب، موضوعی چندبعدی و چندعاملی است و برای کاهش آن باید به همهٔ آن‌ها توجه کرد. بر همین اساس می‌توان اذعان کرد با وجود اشتراکات، برای کاهش تقلب باید آن را در موقعیت وقوع و فرد یا افراد مرتکب بررسی کرد.

برای عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تقلب نیز عواملی چون نوع ارزشیابی، شرایط اجرای آزمون و سطح نظارت بر آزمون، روش‌های معلم و برخورد نکردن با افراد متقلب گزارش شده است.

پدیدهٔ تقلب در زیست‌بوم جدید باید باز تعریف شود
آنچه در شرایط کنونی حائز اهمیت است، توجه به بستر وقوع تقلب در زیست‌بوم جدید است. از آنجا که با شیوع کووید ۱۹، کلاس‌های حضوری جای خود را به آموزش‌های غیر حضوری و به‌طور اخص آموزش‌های مجازی دادند، شکل وقوع تقلب و فراوانی آن نیز دستخوش تغییر اساسی قرار گرفت و صدای زنگ خطر زمانی شنیده شد که پس از یک دوره فعالیت غیر حضوری، تعدادی از دانش‌آموزان مجبور بودند در آزمون‌های حضوری شرکت کنند و تفاوت عملکرد آزمون‌های مجازی و تکالیف مجازی با نمرات و عملکرد حضوری دانش‌آموزان نمایان شدند.

اگرچه در زمینهٔ تفاوت عملکرد حضوری و مجازی عوامل متعددی دخیل هستند، اما نمی‌توان وجود تقلب فراگیر (ولو با فراوانی کم) در شکل‌های گوناگون را نادیده گرفت!